

یکی از شاگردان آیت‌ا... حسینی زنجانی از ویژگی‌های شخصیتی استادش می‌گوید

## متواضع، منظم و

## خوش‌مشرَب



حجت‌الاسلام «سید مجتبی‌ معاون زاده غزنوی»، مدیر مدرسه علمیه آیت‌ا... فاضل قائمی که در سال‌های جوانی‌اش با دست‌تقدیر موفق‌شده، است در محضر آیت‌ا... زنجانی بنشیند. او درباره چگونگی آشنایی‌اش با آیت‌ا... زنجانی می‌گوید: «حدود سال ۶۴-۶۳ بود که توسط یکی از دوستانم با حاج آقا آشنا شدم. ایشان من را دعوت کرد و گفت که یک شب بیایید تا با هم به خانه استادم برویم. من هم قبول کردم و در همان لحظه ورود متوجه شدم که آیت‌ا... برای هر کسی که اولین بار سراغ ایشان می‌رود، مناسب حال فرد مقابلش شعاری از مولوی را می‌خوانند بنابر این این رفتار ایشان همان اول من را مجذوب خود کرد. آیت‌ا... زنجانی مریدی حرم بود یعنی عرف مانع ایشان نمی‌شد. آشنایی بسیار زیاد ایشان با مثنوی به همین دلیل بود. چون بعضی از عرفا مخالف استفاده از اشعار در موضوعات دینی به خصوص مسائل توحیدی هستند اما این چیزها مانع آن مرحوم نمی‌شد.»

### ● توجه ویژه آیت‌ا... به نظم

وی درباره ویژگی‌های شاخص شخصیتی مرحوم زنجانی می‌گوید: «حاج آقا به شدت منظم بود. روزی که ملبس به لباس روحانیت شدم، توصیه کردند که این لباس حرفه‌ای‌توست و همیشه باید اتو کرده و تمیز باشد. یادم می‌آید یک روز به خانه‌استاد رسیدم اما ایشان هنوز در راه‌خانه بودند و بچه‌ها بازی می‌کردند و همه جارابه هم ریخته بودند. آن‌ها همین که فهمیدند حاج آقا نزدیک خانه است، با سرعت بساط‌شان را جمع کردند و به شکلی منضبط سرکارشان رفتند. همان‌جا فهمیدم که ورود و حضور حاج آقا در منزل با آداب خاصی همراه است.»

### ● عالم‌فریخته‌ای که تواضعی مثال‌زدنی داشت

او ادامه می‌دهد: «حاج آقا از نظر اجتماعی بسیار متواضع بودند و با این که از سلسله بزرگی بودند اما مثل بقیه مردم زندگی می‌کردند. یادم می‌آید خانمی در منزل حاج آقا حضور داشت و به همسر ایشان کمک می‌کرد. آن خانم فرزندی داشت که از نظر ذهنی و جسمی معلول بود. بیماری او هم به حدی بود که خیلی‌ها نزدیش نمی‌شدند چون حرکات نافرمی‌نشان می‌داد و حتی غذا خوردنش به نحوی چندش‌آور بود. من در مدتی که با حاج آقا عزالدین و خانواده‌شان ارتباط داشتم، متوجه شدم که بیشتر اوقات حتی آن دختر معلول هم با خانواده حاج آقا سر یک سفره می‌نشیند و غذا می‌خورد. با این که حاج آقا عالم‌بنامی بودند و آداب اجتماعی فرهیخته‌تری داشتند اما باز هم این جور نبود که مغرور باشند.

ایشان تواضعی مثال‌زدنی داشتند.»

### ● اهل این بود که بخندد و بخنداند

حجت‌الاسلام «غزنوی» معتقد است که مرحوم زنجانی در مخاطب‌شناسی به شدت موفق بوده است. او می‌گوید: «آیت‌ا... در معاشرت با مردم کاری نمی‌کرد که موجب سردی جمع شود. حتی در جلسات مهمی که شرکت داشت، کاری می‌کرد که گفت‌وگوها جدی صرف نباشد چون نمی‌خواست که جمع از رونق بیفتد. یکی از دوستانم برای من تعریف می‌کرد که چندسال پیش، جمعی از چند کشور اروپایی خدمت حاج آقا رسیدند و بعد از برخورد با ایشان تعریف می‌کردند که ما قبلاً با علمای دیگری دیدار داشتیم اما هیچ کدامشان به مهریانی و خوش‌مشربی شما نبودند. آیت‌ا... اهل این بود که بخندد و بخنداند. این روش آیت‌ا... بود و با همین شیوه همه را دور خودش جمع و کاری کرد که افراد غیر دینی هم به طرفش جذب شوند. یک بار خود آیت‌ا... به شوخی گفت که وقتی این جور آدم‌ها به ما مراجعه می‌کنند حتماً ما با سنخیتی دارند یعنی حتماً ما هم مشکلی داریم!»

ناگفته‌هایی از سبک زندگی «آیت‌ا... سید عزالدین حسینی زنجانی» از زبان فرزند و

شاگردان‌شان به بهانه سالروز درگذشت ایشان

# عزت دین

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

### پرونده

«عزالدین جوان سخت بیمار است. ظاهراً به حصبه مبتلا شده است. پزشکان اما بیماری‌اش را اشتباه تشخیص می‌دهند. بیماری‌آن قدر تشدید می‌شود که دیگر نمی‌تواند از جایش برخیزد. امام(ره) در کلاس درس متوجه می‌شود که یکی از شاگردانش غایب است. وقتی به اطلاعش می‌رسانند که شاگردش بیمار است راهی حجره او می‌شود. خودش آن‌روز را این گونه تعریف می‌کند: «وقتی امام(ره) به عیادت‌آم‌دند و دیدند حال مساعدی ندارم، دستور دادند رختخواب مرتبی را از منزل خودشان به حجره‌ام بیاورند. در آن شرایط گاهی حتی از درد، بی‌حال می‌شدم. چشمانم را که باز می‌کردم، می‌دیدم امام(ره) بالای سر من نشسته‌اند و داروهای مرا به من یادآوری می‌کنند... این برش کوتاهی از زندگی مرحوم آیت‌ا... سید عزالدین حسینی زنجانی است. یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر دوران معاصر که سبک زندگی‌اش برای جامعه امروزی ما می‌تواند الگویی مناسب از نظر رفتار، گفتار و منش قرار بگیرد. ۲۴ اردیبهشت، سالروز درگذشت این عالم‌وارسته است. به همین مناسبت در پرونده امروز به‌سراغ چند نفر از افرادی رفته‌ام که در بخشی از زندگی‌شان توفیق ارتباط با این مرجع عالی‌قدر را داشته‌اند و از این افراد خواستیم تا از سبک زندگی و اندیشه‌های ناب آیت‌ا... سید عزالدین زنجانی، بیشتر بر ایمان بگویند.

## روایتی کوتاه از ۹۳ سال زندگی عزتمندانه

سید عزالدین حسینی زنجانی، فروردین ۱۲۹۹ در زنجان متولد شد. او در جوانی تحت تربیت پدرش، میرزا محمود حسینی، امام‌جمعه زنجان مدارج علمی را طی کرد و همزمان زبان فرانسوی را آموخت. به سن ۲۰ سالگی که رسید به حوزه علمیه قم رفت و در محضر استادانی مانند امام خمینی (ره)، سید محمد حسین طباطبایی، آیت‌ا... بروجرودی و آیت‌ا... کوه‌کمره‌ای پرورش یافت و آن قدر توجه استادانش را به خود جلب کرد که علامه طباطبایی در مصاحبه‌ای از شاگردش، عزالدین زنجانی این چنین یاد کرد: «مقام علمی سید عزالدین برای مردم مجهول است، ایشان بسیار زحمت کشیده و دارای مراتب عالی علمی است.» آیت‌ا... زنجانی بعد از ۱۴ سال تحصیل در قم به نجف رفت اما با درگذشت پدرش برای انجام امور مسجد «سید» که نسل‌اندر نسل در اداره خاندان حسینی بود به زنجان عزیمت کرد. ایشان سال ۴۲ و بعد از اجرای مدرسه فیضیه که امام خمینی (ره) دستگیر شد، به سخنرانی علیه حکومت پهلوی پرداخت و دستگیر شد اما دست از روشنگری مردم برنداشت و در سخنرانی دیگری علیه محمدرضا پهلوی صحبت کرد و کمی بعد هم به مشهد تبعید شد. آیت‌ا... زنجانی وقتی به مشهد آمد به فعالیت‌های علمی و فرهنگی‌اش ادامه داد که اقامه نماز در مسجد امام صادق (ع) یکی از آن‌ها بود. مسجد امام صادق (ع) در خیابان دانشگاه قرار دارد و از این محل رفت‌وآمد دانشجویان و قشر جوان بوده و هست بنابر این مرحوم زنجانی با گشاده رویی به پرسش‌های جوانان در این مسجد پاسخ می‌داد. این فقیه مردمی سرانجام در سپیده دم ۲۴ اردیبهشت ۹۲ در سن ۹۳ سالگی درگذشت اما یادش هیچ‌گاه از ذهن علاقه‌مندان به راه‌حق، پاک نخواهد شد.

خاطرات مدیر کل پژوهش‌های اسلامی رسانه از سبک زندگی آیت‌ا... زنجانی

## آداب خاص آیت‌ا... برای عقد جوانان



حجت‌الاسلام علی‌نهادندی برای مآخراسانی‌ها چهره‌آشنایی است. اوتاهمین چهارسال پیش به عنوان مدیر کل صداوسیما استان خراسان رضوی فعالیت می‌کرد و حالا مدیر کل پژوهش‌های اسلامی رسانه شده است. حجت‌الاسلام نهادندی که در اوایل دوران طلبگی‌اش با آیت‌ا... عزالدین حسینی زنجانی آشنا شده بود از ارتباط ایشان با جوانان می‌گوید: «منزل حاج آقا همیشه محل رفت و آمد بود؛ هم از نظر مراجعات دینی، هم چهره‌های ادبی و خیرگانی که از خارج از کشور به خانه‌ایشان می‌آمدند و مرحوم زنجانی با توجه به تسلط به زبان فرانسوی به بحث علمی با آن‌ها می‌پرداخت اما همیشه یکی از شیرین‌ترین جلسات ایشان جلسات عقد جوانان بود که آداب خاصی داشت. طوری که حاج آقا عزالدین بعد از این که خطبه عقد را می‌خواند، توصیه‌هایی به تازه‌عروس و دامادها گوشه دو بعد هم کتابی را به آن‌ها معرفی می‌کرد که معمولاً کتاب «آیین زندگی»، اثر «دیل کارنگی» بود. به نظر من همین که یک عالم دینی یک کتاب خارجی به زوج‌های جوان معرفی می‌کند، نشان دهنده ضمیر روشن و روشنفکری ایشان است. چون مرحوم عزالدین زنجانی به غیر از مطالعه دروس حوزوی و دینی از زمینه‌های دیگر هم آگاه بود و آثار بزرگان هر گوشه از جهان را مطالعه می‌کرد.»

### ● تنها مسئله‌ای که آیت‌ا... را ناراحت می‌کرد

حجت‌الاسلام نهادندی درباره یکی از زمان‌هایی که آیت‌ا... عزالدین واقعات ناراحت می‌شدند، می‌گوید: «آیت‌ا... روی مسائل از دواج جوانان بسیار حساس بود. هر موقع برای ایشان از مشکلات جوانان مانند بیکاری، گرانی و... می‌گفتند که این موضوعات مانع از دواج آن‌ها شده است به شدت آشفته می‌شد حتی این مسائل را در دیدار با مسئولان به‌تندی منعکس و انتقاد می‌کرد که شما به عنوان متولیان حاکمیت و حکومت یک کشور اسلامی موظف هستید که به نیاز روحی و روانی نسل جوان توجه کنید. تاجایی که یادم می‌آید هیچ چیزی حاج آقا را ناراحت نمی‌کرد اما ایشان روی نسل جوان حساس بود. اصلاً روش و سبک ایشان بی‌تفاوتی نبود که به هیچ زمینه‌ای ورود نکنند.»

گفتنی‌های یک استاد حوزه و دانشگاه از شیوه دینداری آیت‌ا... زنجانی

## سخت‌گیر نبود اما در واجبات جدی بود

حجت‌الاسلام «وحید قنبری راده» قبل از این که شاگرد آیت‌ا... زنجانی باشد با پسر کوچک ایشان ارتباط دوستی و همشاگردی داشته است و حالا چند سال است که مسئولیت دفتر آیت‌ا... سید محمد حسینی زنجانی را بر عهده دارد. ایشان درباره اندیشه و طرز تفکر آیت‌ا... زنجانی می‌گوید: «ایشان در انجام اعمال عبادی آن چنان سخت‌گیری نداشت یعنی همچنان که در انجام واجبات جدی بود اما با متانت با افراد برخورد می‌کرد. مثلاً در باره طلاق اگر خانمی را می‌دید که از زندگی با همسرش در آزار و اذیت است، هیچ وقت تأکید نداشت که الا و بالا باید زندگی با این همسر را ادامه بدهد. البته آیت‌ا... هنگام مراجعه زن و شوهرهای ناسازگار، اول دعوت به سازش می‌کرد اما بعد از مدتی اگر می‌دید توصیه‌هایش بی‌فایده است، می‌گفت که دیگر دلیلی ندارد که هر دو نفر در این زندگی بمانند. این دید باز و سهل‌گیری در دین باعث شده بود که آدم‌هایی با طرز تفکرهای مختلف دور ایشان جمع شوند.»

### ● انصاف علمی یک استاد

حجت‌الاسلام قنبری راده ادامه می‌دهد: «انصاف علمی آیت‌ا... زنجانی بی‌حد و مرز بود. ایشان مدام می‌گفت که مطالب من را نقد کنید و هیچ وقت هم ناراحت نمی‌شد. هیچ وقت روی حرفش تعصب نداشت که چون درجه علمی‌اش بالاتر از همه‌مان است پس باید حرف، حرف خودش باشد. ایشان آثار نویسندگان خارجی و غیرمسلمان را بسیار می‌خواند و آثار خوب را به دیگران معرفی می‌کرد. مرحوم زنجانی به قدری به کتاب علاقه داشت که می‌گفت هر موقع کتاب خوبی دیدید برای من هم بخرید. در غیر این صورت کتاب شما مصادره می‌شود! یک بار منزل ما تشریف آورد و دو تا کتاب از علامه حسن زاده آملی روی میز بود. همین که این دو کتاب را دید، آن‌ها را برداشت و گفت که قبلاً با شما شرط کرده بودم، حالا این کتاب‌ها مال من است!»



گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید محمد باقر حسینی زنجانی درباره سبک زندگی پدرشان

## پدرم اول عامل بود و بعد واعظ

حجت‌الاسلام سید محمد باقر زنجانی در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید به گوشه‌هایی از سبک زندگی و نگرش پدر بزرگوارشان به زندگی اشاره می‌کند.

● کمی از روش‌های تربیتی پدرتان بگویید. ایشان چه نکاتی را برای تربیت بهتر نسل بعدی‌شان در نظر داشتند؟

من سوال شمارا بایک شعر از سعدی پاسخ می‌دهم که خطاب به فردوسی می‌گوید: «سخن در صلاح است و تدبیر و خوی / نه در اسب و میدان و چوگان و گوی / تو بادشمن نفس همخانه‌ای / چه در بند بیکار بیگانه‌ای» یعنی تو بادشمنی به نام نفس هم‌خانه‌ای. پس اول باید خودت را اصلاح کنی. پدرم اول خودشان را اصلاح کرده بود و بعد به تربیت فرزندان‌شان اقدام کرد. آیت‌ا... عزالدین زنجانی برای من هم حکم پدر داشت و هم استاد. یعنی این جور نبود که به دلیل مشغله‌ها و مراجعات فراوان ارتباطم با ایشان کم باشد. بلکه زیر دست خودش آموزش دیدم اما من در تمام این مدت حتی یک کلمه ناسزا و بی‌پرده‌از ایشان نشنیدم. چون اگر چیزی را به ما توصیه می‌کرد، اول خودش به آن عمل می‌کرد. ایشان اول عامل بود و بعد واعظ.

### ● چرا ارتباط با جوانان این قدر برای پدرتان اهمیت داشته است؟

مرحوم پدرم، پاسخ گویی به مردم را وظیفه خود می‌دانست چون طبق حدیثی که می‌گوید: «کات‌علم در نشر دادن آن است» ایشان معتقد بود ما آدم‌های زیادی داریم که بالای منبر می‌روند و سخنرانی می‌کنند اما باید آدم‌هایی هم باشند که به شبهات پاسخ دهند با افرادی باید باشند که تفسیر قرآن بگویند. خب مخاطب این‌ها هم بیشتر جوانان هستند. همین جوانان هستند که شبهاتی برایشان پیش می‌آید و باید جواب بگیرند.

● از بارزترین خصوصیات فردی آیت‌ا... که شمارا تحت تأثیر قرار می‌داد هم بفرمایید؟

پدرم همیشه برای مردم سر تاپا گوش بود. با این که انسان بزرگ و آگاهی بود اما هیچ وقت نخوست که حرف خودش را به کرسی بنشاند. در بحث با افراد اگر موضوعی را قانع کننده نمی‌دید به آرامی و ملایمت آن را رد می‌کرد. او با آن همه مراجعات و مشغله‌ای که داشت وقتی به خانه می‌رسید با ما بازی می‌کرد مثلاً ما پسرها توپ می‌آوردیم و اگر پدرمان حال داشت وارد بازی بچگانه ما می‌شد. او با این که در انجام کارها، مطالعه و زندگی دقیق و جدی بود ارتباط با بچه‌هایش را فراموش نمی‌کرد.

یکی از معروف‌ترین جمله‌های آیت‌ا... حسینی زنجانی که شو که تان می‌کند

## اگر میسر باشد من هم شلوار لی می‌پوشم!

مرحوم آیت‌ا... زنجانی در تمام طول زندگی خود کوشید تا قشر جوان را به طرف خود جذب کند. نگاه او حداکثری بود و تلاش کرد که حتی جوان‌هایی را که رنگ و بوی دینی ندارند به طرف خوبی‌ها بکشاند. در ویدئویی که احتمالاً به سال‌های آخر عمر این عارف وارسته مرتبط است، ایشان جمله‌ای می‌گوید که حیرت‌انگیز است. ایشان می‌گوید: «وقتی به مسجد می‌رفتم غیر از جوان‌هایی آمدند. بعضی از خوارج (به شوخی، منظور جوانانی هستند که ظاهر نامناسبی دارند) به مسجد می‌آمدند و بعضی افراد می‌گفتند که این چه پوششی است؟ من هم در جواب‌شان گفتم که شلوار مال پوشاندن است. اگر میسر باشد من هم شلوار لی می‌پوشم!»



شما می‌توانید این ویدئو را با اسکن این کیوآر کد ببینید.